

همطرازی شهریار

(این نوشتار به وحی الهی است)

در نوشتار حاضر به حقیقتی اشاره میکنیم که برای ایماندارانی که با آثار شهریار ولی آشنا هستند تازگی ندارد ولی در اینجا برای بار اول به جنبه ای از همطراز بودن فرزند میپردازیم. در نوشتاری که عنوان آن از یکی از حروف مقطعه قرآن گرفته شده بود اشاره به موضوع همطرازی شهریار ولی نمودیم. در اینجا به اینکه روح شهریار ما در همه عناصر پراکنده است و هیچ اتم یا مولکولی در میان عالم نیست که از این روح برکنار باشد میپردازیم. یکی از عرفا که در مکتب صوفیگری نام بلندی دارد ابن عربی ست و او را میتوان بانی نظریه ای دانست که به وحدت وجود شهرت یافت. این نظریه به حضور ما پروردگار در همه عناصر عالم اتم از خرد و بزرگ قائل میباشد. بعبارت دیگر هیچ نقطه ی از نقاط عالم نیست که از حضور ما تهی باشد و این حضور مستمر و فراگیر نه تنها به ما پروردگار بلکه به فرزندان شهریار ولی نیز باز میگردد. اگر برای فرزندی که خدای کهنتر عنوان یافت خاصیتی بدور از آنچه ما هستیم در نظر میگیریم بی تردید کربوبیان برای پذیرفتن این وجود زیجود بعنوان جانشین الهی دچار چالش و دشواری میشدند. حال به این پرسش که آیا ما پروردگار در عناصری که بار منفی نیز دارند حضور خود را حفظ میکنیم یا نه اشاره میکنیم. پاسخ البته آری است و هر گاه به این اندیشه کنید که همه عناصر اعم از اینکه بار مثبت یا منفی دارند از اتمها و مولکولها متشکلند در میابید که ظاهر عناصر در بعدی از هستی سیر میکنند و باطن آنها در بعدی دیگر که از هر نظر جداگانه و صاحب علو و ارزشی والاست. واکاوی هر اتم که در درون خود خورشیدهای شکفت انگیز پنهان دارد خود گویای این حقیقت اسرارآمیز است. الکترونیایی که در اطراف هسته اتم در گردش شبانه روزی اند اینکار را بنابر مشیت ما صورت میدهند و روح شهریار ولی نیز در همطرازی با ما در میان عناصر یادشده جاری و ساری ست. هر گاه اینرا بدانید که نفسهای شما باذن ما پروردگار و از فیض شهریار ولی در سینه آمد و رفت دارند به فرزند ما با دید دیگری نظر خواهید کرد و از اینکه خود را در حد و اندازه وی بدانید بیشتر فاصله میگیرید. آنچه ظاهر شهریار ولی نشان میدهد از حقیقت باطنی اش بهمان اندازه دور است که

زمین از آسمان. حدّ خود را بدانید و عشق کسی را در دل گذارید که حرکت
و گردش آسمان و زمین و جریان خون در رگهای شما از فیض اوست. عالم
اینرا بداند....